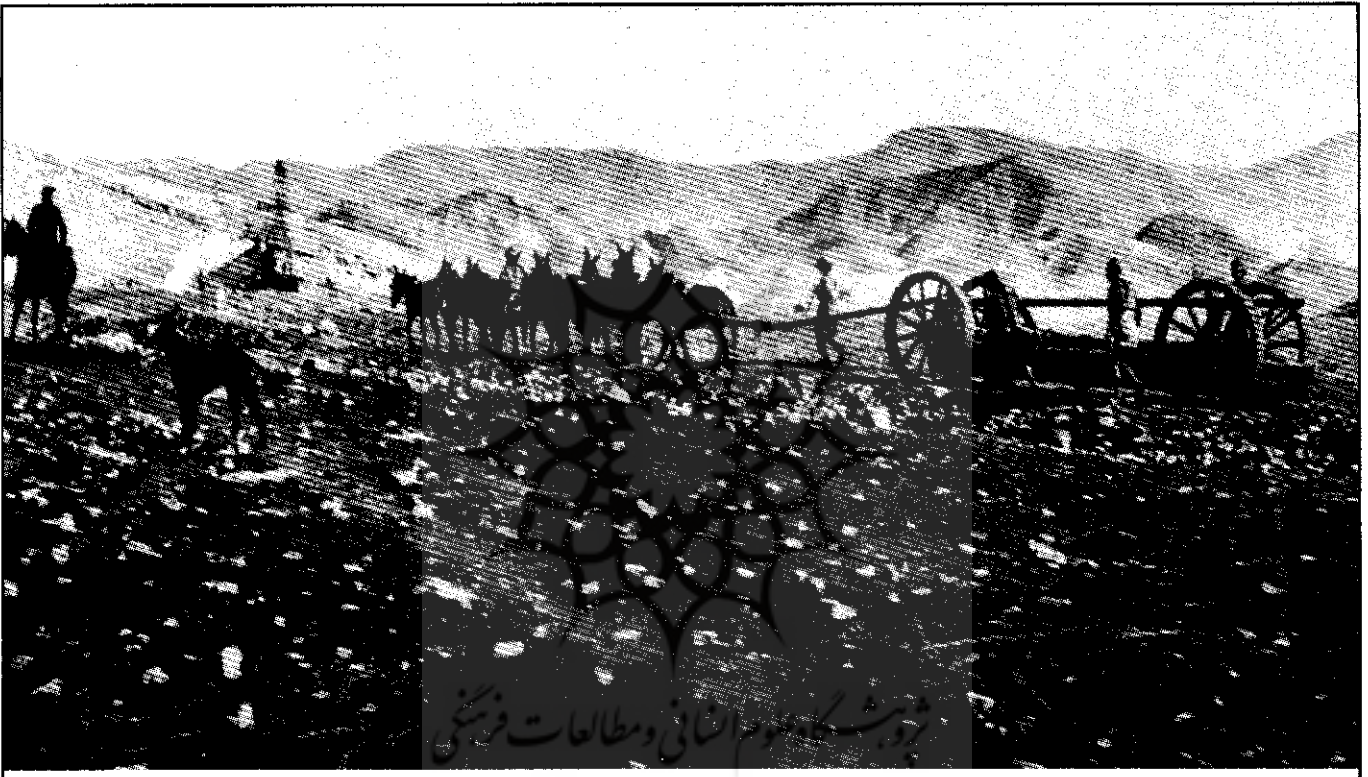


# سرگذشت قرارداد داریسی و بوجود آمدن شرکت نفت انگلیسی و پرشیا

همایون مطیعی



پرداخت و نتایج کار خود را در مجله سالانه معادن *Les Annals des Mines* در سال ۱۸۹۲ منتشر ساخت و مدعی شد که معادن نفت در حوالی قصرشیرین و دیگر نقاط بین‌النهرین وجود دارد. نمونه‌های برداشت شده توسط دومورگان مورد تجزیه و تحلیل یک زمین‌شناس فرانسوی به نام دوویل قرار گرفت که وی نتایج آن را به صورت گزارش‌هایی منتشر نمود. (1910), (1905a,b), (1904a,b), (1902a,b), (1900) Douville

در سال ۱۹۵۵ سرتیپ آنتوان کتابچی معروف به کتابچی‌خان مسئول گمرکات ایران که به همراه فرزندان خود در پاریس به سر می‌برد با ادوارد کوت *Edward Cott* ملاقات کرد نامبرده از همکاران سابق دومورگان در ایران و داماد منشی *de Reuter* بود (دورویتر که همان بنیان‌گذار خبرگزاری رویتر است و قبل از داریسی در قرن نوزدهم در دو مرحله امتیاز کشف معادن، تأسیس بانک و غیره را به دست آورده بود که هر دو بدون

قرارداد داریسی در کتب و نشریات مختلف هر کدام با دیدگاهی مورد ارزیابی قرار گرفته است مقاله حاضر اقتباسی است از مجموعه آنها و به خصوص نوشته‌های *Berry Ritchie* و *R.W.Ferrier* تاریخ‌نویسان شرکت *B.P* در هر صورت قرارداد داریسی بخشی از تاریخ صنعت نفت در ایران است و مرور مجدد آن به خصوص برای جوانان و کارکنان جدید صنایع نفت موجب تنویر افکار است.

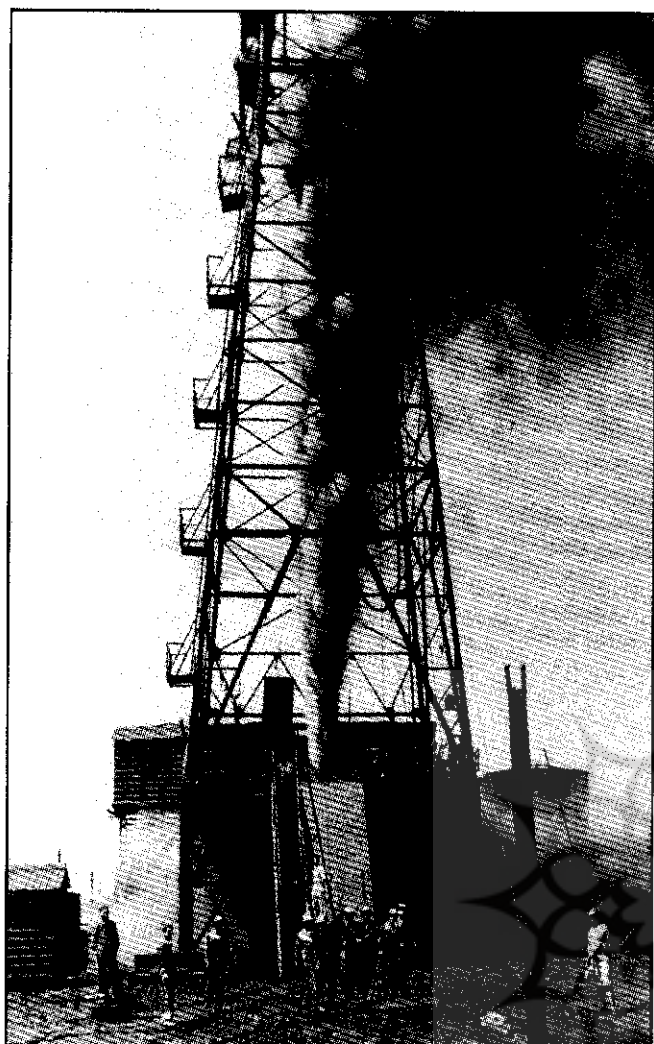
تاریخ قرارداد داریسی از آنجا آغاز می‌شود که قرارداد ننگین دورویتر و قراردادها تر با شکست روبه‌رو و از طرفی دیگر از سال ۱۸۹۱ والی کرمانشاه نسبت به وجود نفت در آن ولایت مشکوک شده بود به همین علت از *Jacque Jean Marie de Morgan* (1857-1924) که رئیس یک هیأت باستان‌شناسی فرانسوی بود درخواست نمود که پیرامون وجود نفت در آن ناحیه به پژوهش بپردازد. نامبرده در این زمینه به مطالعه

نتیجه پایان یافتند) در همان ایام هشتمین کنگره بین‌المللی زمین‌شناسی در پاریس برگزار می‌گردید. کوت توجه کتابچی‌خان را به نتایج زمین‌شناسی هیات دومورگان که توسط (Douville 1900) در کنگره ارائه می‌شد جلب نمود. از آنجا که هدف کتابچی‌خان از سفر به پاریس جلب نظر سرمایه‌داران فرانسوی برای سرمایه‌گذاری در اکتشاف و تولید نفت در ایران بود و در این کار به موفقیتی دست نیافته بود به ملاقات سرهنری دروموندولف (وزیر مختار اسبق انگلیس در ایران) در پاریس رفت و از وی خواست فردی را در انگلیس پیدا کند که حاضر به سرمایه‌گذاری در نفت ایران باشد. دروموندولف از پاریس به لندن رفت و ملاقاتی را بین کتابچی‌خان و ویلیام‌ناکس داریسی ترتیب داد.

#### داریسی که بود؟

ویلیام‌ناکس داریسی William Knox D'Arcy در سال ۱۸۴۸ در محلی به نام نیوتن ابوت واقع در دون‌شایر انگلستان متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه وست مینستر به پایان رسانید و در سال ۱۸۶۵ زمانی که ۱۷ ساله بود به‌همراه پدرش که وکیل دعاوی بود و سایر اعضای خانواده به کوئینزلند استرالیا مهاجرت نمود. نامبرده پس از تحصیلات حقوق مانند پدرش به وکالت پرداخت، محل زندگی او در راک همپتون استرالیا بود. روزی یکی از موکلینش به نام سندی‌مورگان قطعه‌ای از کوارتز (دراکوهی) دارای آثار طلا را به وی نشان داد که در حوالی منزل داریسی پیدا شده بود، مطالعات بعدی وجود معدن طلا را اثبات و داریسی تشویق به سرمایه‌گذاری گردید و در همکاری با موکلش شرکت معادن طلای مونت‌مورگان را تأسیس نمود و از این راه ثروت بزرگی عایدش شد به طوری که در سن ۳۸ سالگی یعنی در سال ۱۸۸۶ یکی از ثروتمندترین مردمان کوئینزلند به شمار می‌آمد. در سال ۱۹۰۰ داریسی به انگلستان بازگشت تا تصدی ریاست هیات‌مدیره شرکت مونت‌مورگان را به عهده گیرد. منزل شخصی او در میدان Grosvenor لندن بود علاوه بر این او دارای یک ملک بیلاقی در Stanmore واقع درمیدل سکس و یک خانه بیلاقی دیگر جهت شکار در ناحیه نورفولک نیز بود. داریسی در سن ۵۲ سالگی وارد مسئله نفت شد. نامبرده فردی فربه، خوش‌مشرب و باهوش و با اشراف آمد و شد داشت. داریسی ثابت کرد که نسبت به اکتشاف و تولید نفت در ایران بسیار علاقمند است. در حقیقت نامبرده به شدت تحت تأثیر مقاله ۱۸۹۲ دومورگان قرار گرفته بود که وجود ذخایر نفت را در ایران القاء می‌نمود، البته ناگفته نماند که شخص سرهنری دروموندولف نیز از این تأثیر مستثنی نبود. نکته ظریف دیگر آن بود که سندی‌مورگان قطعه کوارتز طلادار را به داریسی نشان داد و او به ثروتی سرشار دست یافت و دومورگان وجود نفت در ایران را.

داریسی قبل از هر چیز مقاله دومورگان و نتایج ارائه شده دوویله را با Sir Boverton Redwood که در آن ایام از فرهیختگان دانش زمین‌شناسی نفت بود در میان گذاشت و سپس به توصیه وی دو نفر از همکاران ردوود به نام‌های H.T.Burles به عنوان زمین‌شناس ارشد و



W.H.Dalton به عنوان دستیار را در اوایل سال ۱۹۰۱ برای مطالعات اولیه به ایران اعزام نمود و با یک فاصله زمانی داریسی شخصی به نام Alfred, M.Marriot که پسرعموی یکی از مشاورین سرمایه‌گذاری خودش (داریسی) بود را به عنوان وکیل تام‌الاختیار و ادواردکوت را به عنوان منشی به همراه کتابچی‌خان به تهران گسیل داشت به طوری که آنها در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۰۱ مطابق ۵ اردیبهشت ۱۲۸۰ درست پنج هفته قبل از انعقاد قرارداد به تهران رسیدند.

آلفردماریوت با در دست داشتن سفارشنامه‌ای از سردروموندولف و همچنین حمایت کامل وزیرمختار وقت انگلیس در ایران یعنی Sir Arthur Harding مذاکرات را با اتابک اعظم میرزا علی‌اصغرخان امین‌سلطان نخست وزیر مظفرالدین شاه آغاز کرد. امین‌سلطان موضوع را شفاهاً با سفیر روس در ایران در میان گذاشت ایشان با چنین قراردادی مخالفت نمود و این مخالفت در انتها موجب کاهش ابعاد جغرافیایی قرارداد شد. امین‌سلطان با دریافت ده هزار لیره استرلینگ رشوه از سوی آلفردماریوت، اوضاع را به نفع انگلیس‌ها تمام نمود.

آنها نزدیک به یک سال به طول انجامید حفاری چاه شماره یک چپاسرخ در نوامبر ۱۹۰۲ آغاز شد.

گروه همکاران رینولتز شامل شش حفار که چهار نفر آنها لهستانی و دو نفر کانادایی به نام‌های مک‌ناتن Mc Naughton و بوچانان Buchanan، یک مهندس آمریکایی به نام Rosenplaenter، سه یا چهار نفر مکانیک و دو نفر آهنگر اهل اروپای مرکزی، تعدادی کارگر حفاری از اهالی باکو و کارآموخته میدان‌های نفتی آذربایجان، یک نفر پزشک هندی، یک نقشه‌بردار اهل باکو، دو نفر مباشر انگلیسی، تعدادی آشپز، آتش‌نشان، چند نفر خدمتکار و بالاخره گروهی نگهبان کرد و فارسی زبان بود.

رینولتز با دشواری‌های زیادی دست به گریبان بود از قبیل آلودگی‌های آب آشامیدنی، گرما، مریضی افراد و اعیاد مذهبی لهستانی‌های کاتولیک، چه لهستانی‌ها هرازگاهی به بهانه اعیاد مذهبی کار را تعطیل می‌نمودند. تا جایی که رینولتز به ستوه آمد و از لندن تقویم آن اعیاد را درخواست نمود.

رینولتز در فوریه ۱۹۰۳ برای تمدید قرارداد سالانه‌اش به لندن بازگشت و این زمانی بود که چاه چپاسرخ یک در عمق ۲۷۴ متری بود. در غیاب او روزن‌بلانتر مسوولیت عملیات را به عهده داشت. ورود رینولتز به لندن مصادف شد با این که داری فقط دو ماه فرصت داشت که بر اساس مفاد قرارداد شرکتی را تأسیس و ۲۰۰۰۰ پوند تعهدش را به مظفرالدین شاه بپردازد. در ۲۲ مارچ ۱۹۰۳ برابر با دوم فروردین ۱۳۸۲ روزن‌بلانتر وجود آثار نفت در چاه چپاسرخ یک را گزارش نمود و داری عجولانه و به استناد همین گزارش شرکتی به نام First Exploitation Company را با سرمایه ۶۰۰,۰۰۰ پوند و ارزش یک پوند برای هر سهم در تاریخ ۲۱ ماه مه ۱۹۰۳ به ثبت رسانید سهام اصلی ۳۵۰,۰۰۰ سهم متعلق به داری و مابقی متعلق به سردروموندولف و کتابچی‌خان بود.

ولی چاه شماره یک چپاسرخ در ژوئن ۱۹۰۳ در عمق ۵۰۷ متری به آسماری رسید این چاه در ابتدا ۶۰۰ بشکه نفت تولید می‌نمود ولی پس از چند روز تولید آن به صفر رسید. نتایج ضعیف چاه چپاسرخ از یک سو و فشار بانک لوینز برای پرداخت بدهی‌های داری که حدود ۱۵۰,۰۰۰ پوند می‌رسید از سوئی دیگر وی را بر این تفکر واداشت که بتواند دیگران را در ریسک اکتشاف نفت در ایران سهیم سازد یا به عبارتی به دنبال شریکی برای باخت احتمالی و دیگر آنکه پولی برای حفاری چاه دوم چپاسرخ دست و پا کند اما در کنار اکتشافات داری اتفاقاتی در شرف وقوع بود و چنانچه خواهیم دید به نفع داری تمام شد.

در سال ۱۸۸۲ مطابق ۱۲۶۱ شمسی یک نفر ناخدای نیروی دریایی انگلیس به دریاداری انگلستان پیشنهاد نمود که سوخت ناوهای جنگی از ذغال سنگ به نفت تغییر یابد چه وی معتقد بود وزن ذغال سنگ زیاد بوده و با بکارگیری نفت قدرت رزمایش ناوهای جنگی ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. این تفکر به تدریج قوت گرفت و بالاخره در سال ۱۸۹۸ در نیروی دریایی انگلستان صحت آن در تجربه به دست آمد. این تغییر، منابع

امین سلطان برای اینکه سفیر روس را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد با اطلاع از به شکار رفتن مترجم سفارت متن قرارداد را با خط شکسته ناخوانا انشاء نمود و به محل تاپستانی سفارت روس در زرگنده فرستاد تا موافقت آنها را کسب نماید. چندی گذشت کسی آن دست‌خط شکسته ناخوانا را نتوانست بخواند امین سلطان عدم پاسخ سفارت روس را به حساب عدم مخالفت قلمداد نمود ولی از آنجا که زمینه فکری سفیر روس را می‌شناخت مناطق شمالی کشور شامل خراسان، گرگان، گیلان، مازندران و آذربایجان را از شمول قرارداد داری خارج ساخت در هر صورت قرارداد داری در ۲۸ ماه مه ۱۹۰۱ مطابق ۸ خرداد ۱۲۸۰ منعقد گردید. در زمانی که قرارداد داری امضاء شد Burls و Dalton در ایران به سر می‌بردند. آنها دو ناحیه‌ای که قبلاً به وسیله دومورگان مورد اشاره واقع شده بود را مورد بررسی قرار دادند. Burls در ۳۰ جولای ۱۹۰۱ مطابق ۹ مرداد ۱۲۸۰ به ردوود چین گزارش داد و نوشت: 'بدون شک در مناطق مورد مطالعه نفت تحت شرایط زمین‌شناسی مناسب وجود دارد' البته منظور از مناطق یکی چپاسرخ و دیگری شاردین بود که شرح عملیات آنها در ادامه خواهد آمد با تأیید این گزارش به وسیله ردوود برای داری جای درنگ نبود و لذا مهندسی را به نام رینولتز برای اجراء عملیات اکتشافی برای مدت یک سال و حقوقی معادل ۱۵۰۰ لیره استرلینگ استخدام و به ایران اعزام داشت.

#### رینولتز که بود؟

جرج برنارد رینولتز George Bernard Reynolds فارغ‌التحصیل مدرسه سلطنتی هند بود که پس از فراغت از تحصیل به استخدام اداره امور عام المنفعه هند درآمد و سپس به سوماترا رفت و در شرکت نفت سلطنتی هلند به کار پرداخت. او زمین‌شناسی را با روش خودآموزی یاد گرفته بود و استعداد زیادی در یادگیری زبان‌ها داشت و زمانی که به استخدام داری درآمد بیش از چهل سال از عمر وی می‌گذشت.

#### حفاری در چپاسرخ

رینولتز در سپتامبر ۱۹۰۱ مطابق شهریور ۱۳۸۰ به تهران رسید و مدت ده روز تمام نصایح کتابچی‌خان را شنید ولی گوش نداد و سپس تهران را به مقصد چپاسرخ ترک نمود. چپاسرخ یا چاه‌سرخ محلی است در ۱۶/۵ کیلومتری شمال قصر شیرین که قبل از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۳ از خاک ایران جدا و به دولت عثمانی متصل گردید. رینولتز ابتدا به بغداد سپس به بصره رفت تا وسایل حفاری حمل شده از انگلستان را ترخیص کند، وی با رشوه دادن به مقامات عثمانی و تحمل مصایب فراوان بالاخره به چپاسرخ رسید و این آغاز ماجرا بود زیرا سران قبایل کرد ناحیه نه احکام دربار ایران را قبول داشتند و نه از قرارداد داری مطلع بودند. در هر صورت رینولتز با رشوه‌دادن به عزیزخان و محمدکریم‌خان مالکین نواحی که چشمه‌های نفتی سرپل ذهاب در آن قرار داشتند رضایت و همکاری آنها را جلب نمود. جابه جایی وسایل حفاری و بریایی



در فوریه ۱۹۰۴ داری با الفونس روتشیلد Alphonse Rothschild صاحب مؤسسه مالی روتشیلد ملاقات و به او گفت که چاه چپاسرخ ۶۰۰ بشکه تولید روزانه دارد البته راجع به از تولید افتادن آن چیزی بیان ننمود. در هر صورت از آنجا که روتشیلد شش ماه قبل یعنی در سپتامبر ۱۹۰۳ با شرکت سلطنتی شل هلند برای سرمایه‌گذاری به توافق رسیده بود پیشنهاد داری را قبول ننمود. داری به منظور دریافت وام به مؤسسات مالی متعلق به Sir Ernest Castle و Joseph Leon نیز مراجعه کرد ولی باز جواب مثبتی دریافت نشد او برای جلب مشارکت شرکت آمریکایی استاندارد اویل نیز تلاش بسیار نمود ولی نتیجه‌ای بدست نیاورد. چاه شماره دو چپاسرخ در آوریل ۱۹۰۴ تقریباً با عمقی مشابه چاه شماره یک به مخزن رسید و تولید آن در ابتدا ۱۲۰ بشکه در روز بود ولی پس از چند روز به صفر رسید.

در ۱۹ ماه مه ۱۹۰۴ داری به رینولتز اطلاع داد که قرارداد جدیدی با وی امضاء نخواهد کرد و در ۸ ژوئن ۱۹۰۴ به او دستور داد که به انگلستان بازگردد و بالاخره در ۲۳ ژوئن ۱۹۰۴ عملیات در چپاسرخ به طور کامل تعطیل گردید.

در این احوال سرباورتن ردوود زمین‌شناس معروف، داری را به شرکت نفت برمه معرفی نمود. این شرکت در سال ۱۸۸۶ به وسیله گروهی

مطمئن نفتی را طلب می‌نمود. لذا در سال ۱۹۰۲ کمیته‌ای برای تأمین نفت موردنیاز به ریاست دریا سالار لردجان فیشر Sir John A. Fisher در دربار انگلستان تشکیل شد یکی دیگر از اعضای این کمیته همان سر باورتن ردوود مشاور زمین‌شناسی داری بود. فیشر در سال ۱۹۰۳ به سمت لرد اول دربار ارتقاء یافت و داری برای کسب سرمایه با فیشر ملاقات نمود ولی تنها وعده دریافت نمود سپس داری نامه‌ای به رئیس جدید کمیته نفت دربار، ارنست پرتیمن Ernest Pretyman نوشت و از او کمک خواست. او هم داری را به دیگر عضو دربار، لردسالبورن Salborne حواله نمود ولی جز جوابی ناامیدکننده چیزی دریافت ننمود. اما داری دست‌بردار نبود این بار به سراغ وزیر خارجه وقت انگلیس لردلانس لانسدون Lansdown رفت او نیز طی نامه‌ای داری را به لرد کرزون Curzon نایب‌السلطنه هند معرفی و نگرانی خود نسبت به ورشکستگی نامبرده و احتمال بدست روس‌ها افتادن نفت ایران را بوی خاطر نشان ساخت. ولی کرزون که خود اوایل ۱۸۹۰ مدیر مؤسسه بانکی امتیازات معدنی ایران (امتیاز دوم رویتز) بود و امتیاز داری عامل فسخ آن شد، همکاری نکرد. در این شرایط داری ناچار شد سهام بیشتری از شرکت طلای مونت مورگان را فرو کند تا بدهی‌های خود به بانک لوینز را بپردازد و مخارج چپاسرخ را تأمین نماید.



مدیران شرکت نفت برمه به نام‌های رابرت آدامسون Robert Ademson و جیمز هامیلتون James Hamilton بود، ولی عملاً تمامی بار مسوولیت‌ها به عهده داری گذاشته شد که در گوشه‌ای از لندن به همراه یک منشی و دو نفر کارمند که در اصل کارمندان شرکت معادن طلای مونت مورگان بودند، کارها را به پیش برد.

مطالعات (۱۸۵۴) W. Loftus (۱۸۹۲) H.T. Burls, De Morgan (۱۹۰۱) و بالاخره H.W. Dalton نشان می‌داد که در جنوب باختری ایران به استناد شواهد چشمه‌های نفتی دو منطقه شاردین و نفتون دارای شانس بیشتر هستند. پس از مذاکرات با ورتن ردوود و تأیید وی، ناحیه شاردین اولویت یافت و بالاخره بلا تکلیفی که در چپاسرخ از ۲۳ ژوئن ۱۹۰۴ آغاز شده بود در ۵ ماه مه ۱۹۰۵ خاتمه یافت در این تاریخ دستور ترک چپاسرخ و حمل وسایل به شاردین به وسیله سندیکا صادر گردید.

### شرکت نفت بختیاری Bakhtiyary Oil Company

رینولنز در ۱۶ اکتبر ۱۹۰۵ به ایران رسید این بار او مصمم بود که حفاری را در شاردین آغاز نماید ولی قبل از هر چیز لازم بود همکاری و پشتیبانی عشایر محلی یعنی بختیاری‌ها جلب شود. مذاکرات رینولنز با سران بختیاری و در رأس آنها سردار اسعد بختیاری به وسیله کنسول انگلیس در اصفهان آقای پرایسی Pricy هماهنگ گردید. این مذاکرات یک ماه به طول انجامید تا موافقت‌های اولیه حاصل شد. با حصول اطمینان از همکاری ایلات بختیاری شرکتی به نام شرکت نفت بختیاری با سرمایه چهل هزار پوند به مدت ۵ سال در آوریل ۱۹۰۶ تأسیس شد که سه درصد از سهام این شرکت برای سران بختیاری منظور شده بود در عین حال شرکت متعهد بود که سالانه دوهزار پوند بابت تأمین گارد تفنگچی و حفاظت از اموال و عمال انگلیسی و سالانه هزار پوند دیگر برای حفاظت از خطوط لوله‌ای که احتمالاً در آینده در آن نواحی کشیده می‌شد به خوانین پرداخت نمایند در عمل موضوع به شکل دیگری درآمد خوانین تمام پول دریافتی را بالا می‌کشیدند و نگهبانان را از دریافت هرگونه وجهی محروم ساختند و به همین علت تفنگچی‌ها خود عامل تحدید و ارباب شدند رینولنز از بحث پیرامون این مسایل با خوانین بختیاری در تمامی طول اقامتش در

اسکاتلندی به سرپرستی David Cargill تأسیس شد. محل جغرافیایی عملیات برمه و مراکز ستادی آن یکی در لندن و دیگری در گلاسکو بود. در سال ۱۹۰۴ تولید روزانه این شرکت ۴۰۰۰ بشکه و ارزش دارای‌های غیرمنقول آن به حدود ۲/۵ میلیون پوند می‌رسد و بعد از شرکت شل بزرگترین شرکت نفت انگلستان محسوب می‌شد در جولای ۱۹۰۴ John Cargill فرزند دیوید کارگیل که بتازگی به ریاست شرکت نفت برمه منصوب شده بود قرارداد تأمین ۳۵۰۰۰۰ بشکه نفت در سال را با درباری انگلستان منعقد نمود و لذا آشکار است که چرا آن درباری با داری کنار نیامد سرباورتن ردوود خود پس از آنکه امتیاز یک پالایشگاه را در سال ۱۸۹۰ به شرکت نفت برمه فروخت به عنوان مشاور آن شرکت مشغول بکار شد. جان کارگیل به علت عدم پیشرفت کارهای اکتشافی در برمه نسبت به مکفی بودن ذخایر در مقابل تعهداتش به درباری انگلستان دچار شک و تردید بود، لذا پیشنهاد و توصیه‌های ردوود را درباره مسئله نفت ایران تنها راه نجات دانسته و آنها را پذیرفت. داری در آگوست ۱۹۰۴ برای اولین بار با جان کارگیل و معاونش Charles Wallace ملاقات نمود و بالاخره در نوامبر ۱۹۰۴ به توافق رسید که شرکت جدیدی به نام سندیکای امتیازات The Concession Syndicate را تأسیس نمایند بر اساس توافق، سندیکا متعهد می‌شد که ۷۰,۰۰۰ پوند برای اکتشافات جنوب ایران طی مدت سه سال تخصیص داده و مبلغ ۲۵,۰۰۰ پوند نیز به داری پرداخت گردد و این در حالی بود که داری شخصاً ۲۲۵,۰۰۰ پوند تا آن زمان هزینه کرده بود. از دیگر شروط این توافق بازپرداخت آن ۲۵,۰۰۰ پوند در صورت عدم کشف نفت توسط داری بود و در صورتی که نفت به میزان اقتصادی کشف می‌شد می‌بایستی شرکت جدیدی تأسیس شود تا ضمن تأمین اعتبارات برای توسعه و بهره‌برداری میدان کشف شده بتواند ۲۰۰,۰۰۰ پوند هزینه‌های گذشته داری را تأمین نماید.

در این زمان مشکل دیگر داری کسب رضایت سردروموندولف و وینسنت کتابچی فرزند کتابچی‌خان بود که سهام The First Exploitation Company را در اختیار داشتند. کتابچی‌خان در سال ۱۹۰۲ وفات یافت و نظارت بر قرارداد داری از طرف ایران و همچنین سهام یاد شده به پسرش ارث رسیده بود. در هر صورت پس از مباحثات طولانی شرکت سندیکای امتیازات با سرمایه یکصد هزار پوند و با لحاظ داشتن شروط فوق‌الذکر در تاریخ ۵ ماه مه ۱۹۰۵ رسماً به ثبت رسید و یکی از ثروتمندترین مردان انگلیس به نام لرد استراتاکونا Lord Strathcona باسنی حدود ۸۵ سال به ریاست تشریفاتی هیأت مدیره منسوب شد و در رأس آن قرار گرفت. البته توجه به این نکته ضروری است که مشارکت لرد استراتاکونا با تشویق و ترغیب ارست پرتی من ریاست کمیته نفت درباری انگلیس میسر گردید.

سندیکای امتیازات علاوه بر تأمین سرمایه، مدیریت جدیدی را نیز برای اکتشاف نفت ایران به همراه داشت. در حالی که اکتشاف نفت ایران توسط سندیکا و سندیکا خود زیرمجموعه شرکت نفت برمه بود و مدیریت سندیکا رسماً به عهده جان کارگیل به عنوان مدیرعامل و دو نفر دیگر از

ایران گله‌مند بود و حتی پس از کشف نفت در ایران و توجه بیشتر سندیکا به منطقه، خوانین هر روز مبالغی بیشتر از قرارداد را طلب می‌نمودند. در هر صورت اهداف عمده تأسیس این شرکت بدست آوردن امنیت و امتیاز بهره‌برداری در زمین‌های مناطق بختیاری بود، این شرکت در سال ۱۹۲۸ منحل و سهام خوانین بختیاری به دولت ایران واگذار گردید.

#### حفاری در شاردین ماماتین

شاردین منطقه‌ای واقع بر روی تاق‌دیس ماماتین است. این تاق‌دیس در شمال رامهرمز در نواره تاق‌دیزی نفت سفید هفتکل ماماتین، پارسی و در فاصله ۱۲۵ کیلومتری شمال خاوری اهواز قرارداد و چاه‌های حفاری شده شاردین در مدارک شرکت ملی نفت ایران تحت نام ماماتین شناخته می‌شوند. گرچه تصمیم سندیکا بر حفاری در شاردین بود ولی رینولتز بیشتر تمایل به حفاری در نفتون را داشت در هر صورت حفاری چاه شماره یک شاردین در اوایل سال ۱۹۰۶ آغاز گردید و در عمق ۵۹۰ متری بدون نتیجه خاتمه یافت در سال ۱۹۰۷ حفاری چاه شماره دو شاردین آغاز شد و زمانی که چاه در عمق ۶۰۰ متری بود رئیس زمین‌شناسی شرکت نفت برمه Cunningham Craig از شاردین بازدیدی به عمل آورد و نظر رینولتز را مبتنی بر بلون نتیجه بودن چاه شماره دو پذیرفت و بالاخره این چاه در عمق ۶۵۸ متری قبل از ورود به مخزن متروک گردید. رینولتز در سال ۱۹۰۷ مقاله‌ای را تحت عنوان یادداشت‌هایی پیرامون پیدایش نفت در کرمانشاه و لرستان تهیه نمود (۱۹۰۷) G.B.Reynolds.

#### اکتشاف نفت در نفتون (مسجد سلیمان) و تأسیس شرکت نفت انگلیس و پرشیا Anglo Persian Oil Company (APOC)

چنانچه قبلاً اشاره شد حفاری در میدان نفتون (M.I.N) مورد تأیید زمین‌شناسان بود ولی در اولویت دوم قرار داشت. وجود چشمه‌های نفتی و آتشفشان باستانی و سایر آثار سطحی نفتی از زمره آن دلایل بودند. در هر صورت ساخت جاده در آگوست ۱۹۰۶ به طرف نفتون آغاز شد در دسامبر ۱۹۰۶ در اثر بارندگی شدید تمامی جاده احداثی دچار سیل بردگی شد ولی رینولتز کار را دوباره آغاز کرد و بالاخره جاده نفتون در اکتبر ۱۹۰۷ تکمیل شد و وسایل حفاری حمل گردیدند و بالاخره سندیکا اجازه حفاری در دو محل در میدان نفتون را صادر و حفاری چاه شماره یک در ژانویه ۱۹۰۸ و چاه شماره دو در مارچ ۱۹۰۸ آغاز گردید. همه می‌دانستند که این دو چاه آخرین شانس سندیکا است. در این زمان James Hamilton که از اعضاء هیأت مدیره سندیکا در لندن بود به داری اطلاع داد که اعتبار تخصیص یافته به ایران تمام شده است و مخارج تناوم عملیات می‌بایستی به سرمایه شخصی داری تأمین شود. داری موضوع را جدی نگرفت چه می‌دانست برای حفظ منافع شرکت نفت برمه تنها دو راه وجود دارد یا کشف نفت و یا تعطیل کامل عملیات. در ماه آوریل ۱۹۰۸، Cunningham Craig و Redwood از مسجد سلیمان بازدید به عمل آوردند و پیش‌بینی عمق ۵۰۰ متر برای رسیدن به مخزن که توسط

رینولتز ارائه شده بود را تأیید نمودند. و پس از آن در نیمه ماه مه ۱۹۰۸ شرکت نفت حاضر شد ۴۰,۰۰۰ پوند بیشتر و بدون مشارکت داری در نفت ایران سرمایه‌گذاری نماید. در هر صورت شرایط حفاری بسیار سخت بود، آب‌های حاوی هیدروژن سولفور موجود موجب مسمومیت کارکنان و خوردگی کابل‌های حفاری می‌گردید و هوای گرم طاقت‌فرسا که گاهی به ۴۵ درجه سانتیگراد می‌رسید موجب توقف عملیات نیز می‌گردید. بالاخره چاه شماره یک نفتون (مسجد سلیمان) در ساعت ۴/۵ بامداد روز ۵ خرداد ۱۲۸۷ مطابق ۲۶ ماه مه ۱۹۰۸ در عمق ۳۵۶ متری به نفت رسید و گاز و نفت تا ارتفاع ۲۵ متری فوران نمود. رینولتز خبر کشف نفت را به کنسولگری خرمشهر همان روز اطلاع داد ولی داری این خبر را در ۳۱ ماه مه ۱۹۰۸ دریافت نمود و در آن لحظه گفت اگر این خبر صحت داشته باشد مصایب تمام شده است ولی تا دریافت تأییدیه کامل این خبر نمی‌توانم آن را آشکار سازم. تأیید این خبر با به نفت رسیدن و فوران چاه شماره دو نفتون در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۰۸ به لندن رسید. در انتهای این خبر رینولتز اعلان نمود که مخزن دارای فشاری بیش از انتظار است. در آخر سپتامبر ۱۹۰۸ با اعلان نتایج حفاری چاه شماره سه نفتون تمامی شک و شبهات مرتفع گردید. Bradshaw یکی از دستیاران رینولتز طی تلگرافی به گلاسکو بر ابعاد بزرگ و فشار زیاد مخزن صحنه گذاشت. Redwood پس از دریافت این خبر یک گروه متخصص نفتی را به نفتون اعزام نمود این گروه پس از ۵ ماه بررسی نتایج کار خود را گزارش نمودند و ردوود به استناد نتایج گزارش اعلان نمود در نفتون نفت مرغوب در حجم زیاد و در عمق مناسب کشف گردیده است و از این پس مراحل توسعه و بهره‌برداری به اجراء درمی‌آید. یکی دیگر از اظهار نظرهای ردوود آن بود که میدان کشف شده قسمتی از یک کمربند کوهزائی است که از جنوب ترکیه تا خلیج فارس کشیده می‌شود و کشف نفت در یکی از تاق‌دیس‌ها احتمال کشف مخازن دیگر را مسجل می‌سازد. این نتیجه‌گیری با اکتشافات بعدی در ایران به اثبات رسید و هم اکنون موضوع کمربندهای نفتی در کتب کلاسیک زمین‌شناسی نفت نیز مندرج است. در هر صورت در پی کشف نفت در میدان نفتون (مسجد سلیمان) در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۰۹، ۳۱ فروردین ۱۲۸۸ شمسی شرکت نفت انگلیس و پرشیا Anglo Persian Oil Company (APOC) با سرمایه‌ای برابر با یک میلیون پوند سهم معمولی و یک میلیون پوند سهام ترجیحی تشکیل شد. اعضا هیأت مدیره شرکت شامل جان کارگیل، چارلزوالاس، جیمز همیلتون و داری، ریاست هیأت مدیره لرداستراتکونا و Charls Greenway به عنوان مدیرعامل برگزیده شدند اولین اقدام گرین‌وی این بود که در شرکت جدید سهم چندانی به داری نداد و به عنوان پاداش یکصد و هفتاد هزار سهم از شرکت نفت برمه بوی داده شد. داری نیز ۱۱۹۰۰ سهم از سهام خود را به وینسنت کتابچی و مقداری را نیز به دروونولف منتقل نمود. با این حساب شرکت جدید صاحب، امتیاز داری، The First Exploitation Company و بالاخره The Concession Syndicate گردید. از شرکت جدید تنها ۲۵۰ سهم اصلی به داری و ۳۰۰۰۰ سهم به استراتکونا



که اداره امور نفت ایران نیاز به یک مجموعه متمرکز در این کشور را می‌طلبید لذا تصمیم گرفته شد در مشابَهت با مدیریت نفت در برمه، اداره امور در ایران به یک شرکت ثالث واگذار شود، به همین منظور Jhon و Charls Walpole از شرکت Shaw-Wallace & co و Llyod از شرکت Lloyds در برمه بود مأمور شدند که شرکت Scot را در خرمشهر راه‌اندازی نمایند. این شرکت اخیر مستقیماً دستورات خود را از گرین‌وی دریافت می‌نمود و در آمدش را از طریق دریافت پنج درصد از فروش مستقیم و دو و نیم درصد از فروش به وسیله آژانس‌های ثالث تأمین می‌نمود.

برای احداث خط لوله Charls Ritchie از شرکت نفت برمه به منطقه اعزام شد او مسیر ۲۳۰ کیلومتری خط لوله را از نفتون به جزیره آبادان نقشه‌برداری نمود. مقدار ۹۰ کیلومتر لوله شش اینچ و ۱۵۰ کیلومتر لوله هشت اینچ از آمریکا به آبادان حمل گردید و سپس به وسیله "دوبه" و کشتی‌های کوچک، در مسیر رودخانه کارون و در محلی به نام درخزینه واقع در شمال اهواز تخلیه می‌شدند و از آنجا نیز به کمک چهارپایان در مسیر لوله‌گذاری حمل گردیدند. این خط لوله در اواسط ۱۹۱۱ تکمیل و مورد آزمایش قرار گرفت.

اقدام برای ساخت پالایشگاه آبادان در سال ۱۹۰۹ پس از قرارداد اجاره آبادان با اعزام شخصی به نام دیویدسن صورت گرفته او که قبلاً مهندس نیروی دریایی انگلیس و هم‌کلاس سابق ریچی بود وظیفه ساخت زیربنای لازم در آبادان را به عهده داشت. برای نصب و راه‌اندازی پالایشگاه در سال ۱۹۱۰ مهندسی به نام Norman Ramsay به اتفاق سرمهندسی اروپایی دیگر از شرکت نفت برمه به آبادان وارد شدند این گروه چهار نفره به وسیله گروهی از کارگران فنی پالایشگاه رانگون برمه همراهی می‌شدند از دیگر نفرات می‌توان به ۲۵۰ نفر لوله‌کش، بنا و

و ۱۲۰۰۰ سهم به خوانین بختیاری تعلق داشت. نکته شایان توجه در این است که در سال ۱۹۰۹ دست داری از نفت ایران کوتاه گردید و در حقیقت پس از تشکیل شرکت نفت انگلیس و پرشیا، داری مسوولیتی در قبال کنش‌های مثبت و یا منفی آن شرکت نداشته است. پس از روشن شدن نتایج چاه شماره سه رینولدز توصیه نمود که محلی برای ساخت پالایشگاه در نظر گرفته شود لذا آندرو کمپبل Andro Compbell مدیرعامل پالایشگاه رانگون برمه در دسامبر ۱۹۰۸ اقدام به بازدید از مرداب‌های آبادان (آبادان) واقع در جنوب خرمشهر نمود.

#### قرارداد با شیخ خزعل

در این زمان شیخ خزعلی فرزند حاجی جابرخان شیخ طایفه محیسن حکمران محمره (خرمشهر) هوای خود مختاری و امیر محمره شدن در سرداشت وسیعی می‌نمود در مقابل دولت مرکزی ایران تحت حمایتی دولت انگلستان را کسب نماید. وزارت خارجه انگلیس نیز تمایل نشان می‌داد در حالی که منافع دریاداری انگلیس با آن در تضاد بود. در هر صورت وزارت خارجه انگلیس تسلیم نظریات دریاداری انگلیس گردید و قرارداد با شیخ‌خزعل تنها در اجاره جزیره آبادان خلاصه گردید. این قرارداد اجاره با میانجیگری سرگردپرسی کاکس نماینده سیاسی و مقیم دولت انگلیس در خلیج فارس در ژوئن ۱۹۰۹ بین شیخ‌خزعل و شرکت به امضاء رسید. بر اساس این قرارداد جزیره آبادان با اجاره بهای ۶۵۰ پوند سالانه و پرداخت ده سال اجاره از پیش در اختیار شرکت قرار گرفت.

چنانچه ملاحظه شد پس از تأسیس این شرکت سه کار عمده لازم بود صورت گیرد. اصلاح ساختار مدیریتی، احداث خط لوله از مسجدسلیمان به آبادان و بالاخره نصب و راه‌اندازی پالایشگاه آبادان. سازمان مدیریتی پیش‌بینی شده در اساسنامه شرکت نفت انگلیس و پرشیا به خوبی دریافت

منشی هندی و ۳۰ نفر کارگر غیرفنی بومی اشاره داشت. در همین زمان بود که گریبوی به دفتر محمره اطلاع داد که جذب نیروهای خارجی به هر نحو باید موجه جلوه داده شود در غیراین صورت ممکن است مورد اعتراض دولت ایران واقع شود.

بر اساس برنامه‌ریزی قرار بود پالایشگاه آبادان تا پایان سال ۱۹۱۱ تکمیل شود ولی به دلایل گوناگون از قبیل عدم تأمین به موقع کالا به علت اعتصابات کارگری در انگلیس، کمبود نیروی متخصص و شیوع بیماری وبا، شروع کار آزمایشی پالایشگاه در سپتامبر ۱۹۱۲ صورت گرفت هر چند با فاجعه همراه گردید. سقف کوره‌ها فرو ریخت، توان پمپ‌ها کافی نبود و نشست لوله‌ها غوغای عجیبی براه انداخت. چندین ماه دیگر صرف رفع اشکالات شد و عملاً پالایشگاه آبادان در سال ۱۹۱۳ شروع بکار نمود.

### تداخل دولت انگلیس

چنانچه قبلاً اشاره شد دریاداری انگلیس به دنبال جانشینی ذغال‌سنگ با نفت مایع در ناوگان دریایی خود بود و اگر تشویق و ترغیب دریاداری نبود سندیکای امتیازات پا نمی‌گرفت. پس از راه‌اندازی پالایشگاه آبادان و پیشنهادهای فروش نفت از سوی شرکت نفت انگلیس و پرشیا، وینستون چرچیل لرداول دریاداری کمیته تأمین سوخت‌را مأمور رسیدگی شرکت نمود. نتایج بررسی‌ها چنان امیدوارکننده بود که چرچیل ترجیح داد به جای قرارداد خرید سهام شرکت را ابتیاع نماید لذا وی لایحه‌ای را به پارلمان انگلیس برد که بر اساس آن ۵۱ درصد سهام آن شرکت را دولت انگلیس خریداری نماید و در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۱۴ موفق شد آن لایحه را به تصویب برساند و بالاخره در آگوست ۱۹۱۴ به امضاء پادشاه انگلیس رسید یعنی شش روز قبل از شروع جنگ جهانی اول و این آغاز شرکت نفت بریتانیا است. شایان ذکر است که سهام دولت انگلیس بعداً به ۵۶ درصد افزایش یافت. اکنون دلیل پافشاری چرچیل برای جلوگیری از ملی شدن نفت ایران مبرهن می‌گردد.

### عاقبت کار رینولتز

پس از تأسیس شرکت نفت انگلیس و پرشیا، رینولتز از این که بوی سهمی داده نشده بود بسیار آزرده‌خاطر شد و موضوع زمانی به وخامت گذاشت که با بوجود آمدن شرکت *Lloyd Scot* در سلسله مراتب مدیریتی نیز تنزل یافت. او از گزارش‌دهی به مدیران خرمشهر سرباز زد. در هر صورت گریبوی در مارچ ۱۹۱۰ درخواست برکناری رینولتز را نمود ولی هیأت مدیره از واکنش سریع در مقابل این درخواست به علت سوابق درخشان وی خودداری نمود. رینولتز در ژانویه ۱۹۱۱ ایران را ترک نمود و در لندن با چارلز والاس جلسات متعددی را برگزار نمود و بالاخره در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۱۱ قرارداد وی با دریافت حقوق معوقه و یک‌هزار پوند پاداش منفصل گردید.

رینولتز در همان سال به استخدام شرکت نفت شل درآمد و در سال

۱۹۱۳ با آغاز کار این شرکت در ونزوئلا به این کشور اعزام گردید و کشف میدان بزرگ نفتی *LaRosa* در دریاچه مارکاتی‌بو در ۱۹ دسامبر ۱۹۲۲ مدیون توانمندی او است و با این کشف کشور ونزوئلا در زمره تولیدکنندگان نفت جهان درآمد. در حقیقت رینولتز معمار کشف نفت در ایران و خاورمیانه محسوب می‌شود و هر چند او ناکام‌ترین پیشگامان صنعت ایران نیز هست چه تمامی جانشینان وی بعداً به مقامات عالی شرکت نفت رسیدند. تاریخ‌نویسان شرکت نفت بریتانیا (بی‌بی) نیز به صورت تلویحی و گاهی صریح رفتار با رینولتز را تقبیح نموده‌اند.

### عاقبت کار داری

داری پس از تأسیس شرکت نفت انگلیس و پرشیا و دریافت سهام شرکت نفت برمه، شرکتی را به نام اکتشافات داری تشکیل داد و به اکتشاف در مناطقی از عراق کنونی پرداخت که بعداً به شرکت *B.P* تبدیل شد. نامبرده در سال ۱۹۱۷ درگذشت. چنانچه ذکر آن گذشت داری اساساً ضامن فساد و درک شرکت انگلیس و پرشیا نبود هر چند تا امروز در مناطق نفت خیز جنوب هر روش غلط و یا دستگاه از کار افتاده را به داری نسبت می‌دهند.

### تذکر

در اینجا لازم است به چند نکته توجه شود مقالات مهم که موجب توجه به نفت در ایران شد عبارتند از *Loftus* (۱۸۵۴) و *DeMorgan* (۱۸۹۲) و مقالاتی که وجود نفت را تأیید نمودند *Burils* (۱۹۰۱)، *Dalton* (۱۹۰۳) و مهمترین زمین‌شناسان تأییدکننده: *Sir Boverton Redwoo* , *Cunningham Craig* بوده‌اند.

مقالات *Pligrim* از سازمان زمین‌شناسی هند به علت عدم توجه به نفت لذا در فهرست منابع نفت ایران نیامده‌اند و دیگر آنکه چاه دالکی بوشهر اولین چاه توسط شرکت‌ها تاز حفاری شد چاه های دوم و سوم به ترتیب در دالکی و فشم توسط دوروتتر حفاری شده بود. چاه های چپاسرخ چهارمین و پنجمین و چاه های ماماتین ۱ و ۲ (شاردین) ششمین و هفتمین و چاه شماره یک نفتون هشتمین چاهی بود که در زاگرس به منظور کشف نفت حفاری گردیدند. نکته آخر اینکه در سال ۱۹۲۸ نام میدان نفتون *Meydan-i- Naftoon (M.I.N)* به مسجد سلیمان *Masjed-i-Sollayman(M.I.S)* تغییر یافت.

